

بسم الله الرحمن الرحيم

## امراتوی عدم تعهد و آثار آن در روابط بین‌المللی

سیدعبد‌العلی قوام

نیمه دوم قرن بیستم شاهد ظهور الگوی جدیدی در روابط بین‌المللی است. بدنبال جنگ دوم جهانی، شکل‌گیری نظام دو قطبی، برقراری سیستم موازنه قدرت و بالا گرفتن جنگ سرد در سیاست بین‌المللی، گروهی از ملل نوحاسته آفریقائی و آسیائی را برآن داشت تا به منظور کناره‌گیری از دسته بندیهای سیاسی، نظامی و اقتصادی و نیز عدم وابستگی به بلوکهای شرق و غرب، سیاستهای مستقلی را در روابط بین‌المللی تعقیب کنند. این کشورها که طعم تلخ استعمار و آثار زیانبار استثمار و جنگهای خانمانسوز جهانی را درک کرده بودند، گردهم آمدند تا « جنبش عدم تعهد » را بر اساس نفی هرگونه وابستگی به دو بلوک بنیانگذاری کنند. این نهضت بدون آنکه در صدد ایجاد بلوک جدیدی باشد مساعی لازم بعمل آورد تا ضمن احتراز از دنباله روی از دو بلوک، راه واقع بینانه‌ای را برای استقلال خود برگزیند. نهر و نخست‌وزیر وقت هندوستان در سال ۱۹۴۷ اظهار داشته بود که « سیاست عمومی، اجتناب از سیاست قدرت و عدم الحاق به هر گروهی علیه گروه دیگر است. ما باید با هر دو بلوک رفتاری دوستانه داشته باشیم و در عین حال به هیچکدام وابسته نباشیم. هر دو بلوک فوق‌العاده نسبت به یکدیگر

بدگمانند همانگونه که کشورهای دیگر با سوژن به این دو بلوک مینگرند.<sup>۱</sup> جنبش عدم تعهد که به مفهوم عدم وابستگی به شرق و غرب بوده و گاهی از آن بعنوان « بیطرفی مثبت »<sup>۲</sup> یاد میشود ابتدا بصورت یک حرکت سیاسی بر علیه امپریالیسم و نژادپرستی آغاز گردید و سپس رفته رفته ضمن حفظ مواضع قبلی خود بصورت یک جنبش اقتصادی دستجمعی میان کشورهای جهان سوم توسعه پیدا کرد. بانیان عدم تعهد<sup>۳</sup> سعی نمودند سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم به وجود آورند تا ضمن حفظ منافع ملی کشورها ، آنها را در سرنوشت یکدیگر سهیم سازند.<sup>۴</sup>

بسیاری از انگاره‌های عدم تعهد از سنتهای باستانی برخی از کشورهای جهان سوم نشأت میگرفت ، بطوریکه در هند تفکرات مزبور از دو جویبار سرشار اندیشه یعنی جنبه‌های اثبات گرائی فلسفی کاتیلیا ( Kautilya ) و فلسفه‌های اخلاقی بودا و آشوکا سیراب شده بود. مزید بر آن نهضت عدم تعهد تحت تأثیر برخی از اصول همزیستی مسالمت آمیز میان دولتها مانند

۱ . تیرداد رحمانی ، جهان سوم ، چاپ کاویان ، تهران ۱۳۴۸ ، ص ۳۵ .

۲ . ضروری است میان بیطرفی مثبت و منفی تفکیک قائل شویم بدین معنی که : اولاً ، بیطرفی مثبت یک ایدئولوژی و عقیده سیاسی است ، در حالیکه بیطرفی منفی یک تجربه و پراتیک میباشد . ثانیاً ، بیطرفی مثبت به نیت بین المللی و صلح مداوم توجه داشته و تهاجم را محکوم نموده و در این روند از توسعه روابط و همکاریهای بین المللی دریغ نمیورزد ولی در بیطرفی منفی سعی میشود بحض مهیاشدن قدرتهای متخاصم برای جنگ ، دولت مزبور خود را از هر گونه مسأله بین المللی مهم جهان ، که مربوط به جنگ باشد دور نگه دارد .

۳ . رهبران اولیه جنبش عدم تعهد عبارت بودند از : جواهر لعل نهرو نخست وزیر هندوستان ، جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر ، احمد سوکارنو رئیس جمهور اندونزی و مارشال تیتو رئیس جمهور یوگسلاوی .

پانچاشیلا ( Panchshell ) قرار گرفت که در تحولات بعدی این استراتژی سهم بسزائی داشت . پانچشیل که به پنج اصل مسالمت‌آمیز توافق شده میان هندوستان و چین بر سر مسئله تبت در سال ۱۹۵۴ اشارت داشت ، شامل اصول زیر میگرددید :

- ۱- احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر .
- ۲- برابری و منافع متقابل .
- ۳- عدم تجاوز متقابل .
- ۴- عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر .
- ۵- همزیستی مسالمت‌آمیز .

ذکر این نکته ضروری است که در حدود ۲۲۰۰ سال قبل اصول فوق‌الذکر بنحوی از انحاء توسط یکی از رهبران هند ( آشوکا ) مطرح و سپس به گونه‌های متفاوتی در گفته‌های گانندی و سایر رهبران این کشور آشکار شد . پاره‌ای از آثار آنرا نیز میتوان در منشور ملل متحد و سایر اصول حقوق بین‌المللی معاصر مشاهده کرد .

در آوریل ۱۹۵۴ پس از امضاء موافقتنامه چین و هند نمایندگان کشورهای برمه ، سیلان ، هندوستان ، اندونزی و پاکستان یکدیگر را در شهر کلمبو ملاقات کردند تا زمینه‌های برقراری صلح را در هند و چین و ویتنام فراهم آوردند . در ۲۵ سپتامبر همانسال رهبران اندونزی و هند اعلامیه مشترکی را انتشار دادند که حاکی از اشتیاق ملل آسیائی و افریقائی برای برقراری صلح و کمکهای متقابل میان آنها بود . در اعلامیه مزبور خاطر نشان شده بود که قبل از تشکیل کنفرانس باندونگ گردهم‌آئی

۵ . پطروس عالی، جنبش آسیائی و آفریقائی ، ترجمه دکتر فرج‌الله ناصری ( تهران ،

دز شهر جا کارتا با حضور نخست وزیران کشورهای کنفرانس تشکیل شود. هدف از برگزاری این گردهم آئی افزایش همکاری و دوستی میان ملل آسیائی و آفریقائی، گسترش روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمک این کشورها به حفظ صلح و امنیت بین المللی توصیف شده بود.<sup>۶</sup>

کنفرانس کشورهای آسیائی و آفریقائی که در ۱۹۵۵ در شهر باندونگ اندونزی برگزار شد یک اجتماع جهان سومی بشمار میرفت که برای نخستین بار کشورهای نوحاسته آسیائی و آفریقائی را گردهم میآورد. این کنفرانس مقدمه ای برای شکل گیری نهضت عدم تعهد بشمار میرفت که در آن ۲۹ کشور با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و صد و پنجاه میلیون نفر شرکت داشتند. گرچه گردهم آئی مزبور بدعوت ۵ کشور آسیائی هند، سیلان، اندونزی، پاکستان و بیرمانی صورت گرفت ولی عملا رهبری آنرا نهر و برعهده داشت. در طول کنفرانس دو جبهه متشکل از کشورهای مختلف بوجود آمد که گروه نخست از هند و اندونزی تبعیت مینمود و طرفدار استعمارزدائی بود در حالیکه جناح دیگر از کشورهای چون پاکستان، سیلان، ترکیه و عراق تشکیل میشد و در موضع مخالفت با کمونیسزم قرار داشت. سرانجام با کوششهایی که نهر و بعمل آورد هر دو جبهه در یک گروه فراگیر علیه استعمار و استثمار چه از نوع غربی یا شرقی آن متحد شدند. بدین طریق میتوان گفت که نطفه نهضت عدم تعهد که در سال ۱۹۵۵ در باندونگ بسته شد و نهضت سرانجام در ۱۹۶۱ در بلگراد متولد شد.

### اصول عدم تعهد

استراتژی عدم تعهد که در ابتدا دارای یک سری هدفهای محدود و

6 - Ljubisa Adamovic, ed., The Economics of Non Alignment, Belgrade. 1985, PP.126-7

کلی بود، به مرور با پیوستن کشورهای جدید به جنبش غیر متعهدها و نیز با توجه به دگرگونی‌هایی که در سیاست‌های بین‌المللی و بویژه در روابط میان شرق و غرب بوقوع پیوست، رو به توسعه و گسترش گذاشت. اهم این اصول بشرح زیر میباشند.

- ۱- احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها.
- ۲- تقلیل تشنجات و تضادهای موجود در روابط بین‌المللی ناشی از تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب.
- ۳- مخالفت با شرکت در اتحادیه‌های نظامی و خودداری از واگذاری پایگاههای نظامی به بلوکها.
- ۴- پشتیبانی از منشور ملل متحد و نیز اصول مسلم حقوق بین‌الملل.
- ۵- خودمختاری تمامی ملل دنیا و آزادی کلیه سرزمینهای تحت استعمار.
- ۶- همکاری مثبت بین‌المللی.
- ۷- حل مسالمت‌آمیز اختلافات از طرق سیاسی و روشهای دوستانه و عدم توسل به زور.
- ۸- مبارزه با نژاد پرستی، استعمار و امپریالیسم در کلیه اشکال آن.
- ۹- لزوم خلع سلاح از طریق نظارت‌های بین‌المللی و امضاء قرارداد خلع سلاح بوسیله دولت‌های بزرگ.
- ۱۰- عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها.
- ۱۱- ایجاد سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم، بمنظور گسترش روابط میان کشورهای جهان سوم.
- ۱۲- مبارزه با توسعه نیافتگی اعم از اقتصادی و سیاسی.

۱۳- سیاست ناپیوستگی<sup>۷</sup>

## ابر قدرتها و غیر متعهدها

از همان ابتدای شکل گیری جنبش عدم تعهد ، غیر متعهدها را نظر براین بوده است که چنانچه تعارضات موجود میان بلوکها به مناطق آنها کشانده شود و یا آنکه تعارضات منطقه ای قدرتهای بزرگ را بخود جلب کند، این مسئله برخورد مستقیم میان ابرقدرتها را تشدید کرده و در نتیجه باعث ایجاد شکاف میان آنها خواهد شد . ذکر این نکته مهم ضروری است که در دوران جنگ زمانی اتخاذ استراتژی عدم تعهد قرین موفقیت است که مناطق غیر متعهد از لحاظ استراتژیکی برای بلوکها و یا دولتهای متخاصم از ارزش حیاتی کمتری برخوردار باشند .

از سالهای اولیه تشکیل جنبش عدم تعهد ابر قدرتها مساعی لازم بعمل آورده اند تا بنحوی از انحاء از یکپارچگی و وحدت کامل میان اعضای آن جلوگیری بعمل آورند زیرا اتخاذ استراتژی مزبور از سوی بسیاری از کشورهای جهان سوم با سیستم موازنه قدرتی که آمریکا و شوروی در قالب بلوک بندیها خواهان برقراری آن بوده اند مباینات داشته است تا آنجا که وزیر خارجه وقت آمریکا ( دالسن ) اظهار داشت « آنها که با ما نیستند بر علیه ما میباشند » بعبارت دیگر از نظر آمریکا عدم وابستگی به بلوک غرب به مفهوم خصومت ورزیدن بر علیه منافع این کشور و مقابله با آن تلقی میشد . شوروی نیز کوششهای زیادی بعمل آورد و سعی نمود از طرق

۷. در این مورد نهرودر اولین کنفرانس سران غیر متعهد اظهار داشت که گروه غیرمتعهد نباید کورکورانه و از روی بی ارادگی بیطرف بماند بلکه باید فعالانه با اسپریالیسم و مداخله ابر قدرتها در امور داخلی کشورهای دیگر به مخالفت برخیزد .

دیگر میزان نفوذ خود را در میان دولتهای غیر متعهد افزایش داده و حرکت‌های آن را در تحت کنترل خود در آورد، دولت مزبور برای نیل به این هدف از روشهای زیر بهره گرفت :

۱. حمایت از مبارزات ضد استعماری و ترغیب کشورهای جهان سوم برای رهایی از سلطه غرب .

۲. عدم برقراری اتحادهای نظامی با کشورهای آسیا و آفریقا ( حتی در شرائط اوج گیری جنگ سرد ) .

۳. هم صدا شدن با کشورهای غیر متعهد در مبارزه علیه تبعیض نژادی و آپارتاید در مجامع بین‌المللی .

۴. تحت تأثیر قرارداد ملل غیر متعهد از تجارب صنعتی شدن و تجدید حیات اقتصاد کشاورزی شوروی .

گرچه شوروی در کنفرانس کشورهای آسیائی و افریقائی که در ۱۹۵۵ در باندونگ اندونزی برگزار شد شرکت نکرد ولی این کشور کوششهای زیادی بعمل آورد تا علیرغم عدم تمایل چین ، در اجتماع بعدی ( باندونگ دوم ) که قرار بود در سال ۱۹۵۶ درجا کارتا برگزار شود شرکت نماید .

بطور کلی در طول سه دهه اخیر امریکا و شوروی سعی کرده‌اند با تقویت جناح‌هایی در چهارچوب جنبش عدم تعهد سیاستها و تصمیماتی را که توسط غیر متعهدها اتخاذ میشوند به راستای استراتژیهای کلی و حفظ مصالح و منافع خود سوق دهند . بهمین دلیل چنانچه بخواهیم امروزه میزان عدم تعهد دولتهای عضو جنبش را مورد ارزیابی قرار دهیم معیار و ضابطه عمده در این بررسی درجه دوری و نزدیکی اعضاء به ابر قدرتها و بلوکهای سیاسی ، نظامی و اقتصادی میباشد .

### ارزیابی نهائی از عملکرد غیر متعهدها

جنبش عدم تعهد که حدود سی سال از عمر آن میگذرد و تا کنون هشت کنفرانس بلگراد ( ۱۹۶۱ )، قاهره ( ۱۹۶۴ )، لوزاکا ( ۱۹۷۰ ) الجزیره ( ۱۹۷۳ )، هاوانا ( ۱۹۷۹ )، دهلی نو ( ۱۹۸۳ ) و زیمبابوه ( ۱۹۸۶ ) را پشت سر گذارده، دارای فرازونشیبهایی بوده است که بررسی عملکرد آن میزان موفقیت و ناکامیهای جنبش را روشن خواهد ساخت .

بطور کلی وجود گروه غیر متعهد سدی برای بلوک گرایی تلقی شده و این نهضت نقش عمده‌ای را در استقرار صلح جهانی بر عهده داشته است . در سایه تعقیب سیاست استعمارزدائی که یکی از اصول اولیه جنبش بشمار میرود بسیاری از ملتهای تحت استعمار آسیا و افریقا از سلطه دولتهای استعمارگر خارج شده و به استقلال نائل آمده‌اند تا آنجا که این سیاست مجمع عمومی سازمان ملل را بر آن داشت تا در ۱۹۶۰ قطعنامه معروف خود را که خواستار پایان دادن به استعمار بود به تصویب رساند .

جنبش عدم تعهد در دور نگهداشتن بسیاری از کشورهای جهان سوم از رقابت قدرتهای بزرگ موفقیت‌هایی چشم‌گیر داشته بنحویکه عدم همکاری دولتهای غیر متعهد در چهارچوب اتحادیه‌های نظامی با ابر قدرتها باعث کاهش قابل توجه تشنجات بین المللی شده است و در بسیاری از موارد جنبش توانسته است «دئانت» ( تشنج زدائی ) را جایگزین جنگ سرد کند . علیرغم موفقیت‌های قابل توجهی که نصیب کشورهای غیر متعهد شده است، جنبش عدم تعهد نتوانسته است عملاً بطور کامل بر اساس اصولی که خود بعنوان استراتژی از آن یاد میکند به هدفهای مورد نظر خویش نائل آید . این ناکامیها معلول عوامل بسیاری است که میتوان به اهم آنها بشرح زیر اشاره کرد :



۱. وجود گروه‌بندی‌های داخلی در جنبش عدم تعهد مانند گروه‌های آفریقای سیاه، اتحادیه عرب، سازمان کشورهای کنفرانس اسلامی، سازمان وحدت آفریقا و... سبب گردیده که دولتهای غیر متعهد نتوانند به یک وحدت نظر و اتخاذ استراتژی مشترکی در قبال قدرتهای بزرگ دست یابند.
۲. ترکیب ناهمگون اعضاء از مواردی است که دولتهای غیر متعهد را در رسیدن به اهدافشان با ناکامی مواجه ساخته است. بطوریکه برای مثال در مورد اشغال افغانستان توسط شوروی، دولتهای سوسیالیست عضو جنبش دارای مواضع متفاوتی از دیگران بوده‌اند. همچنین درجات متفاوت پیشرفت‌ها و عقب ماندگیهای اقتصادی در میان دولتهای غیر متعهد مشکلات عدیده‌ای را در اتخاذ تصمیمات مشترک بوجود آورده است.
۳. ناسیونالیسم: علیرغم آنکه از ابتدای تشکیل جنبش سعی بر آن بود تا سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم بوجود آید ولی عمل‌منافع‌ملی‌هریک از اعضاء، مصالح همگانی و آرمانهای با ارزش جنبش را تحت الشعاع خود قرار داده است.
۴. با وجود آنکه نقطه‌نظرها و استراتژیهای دولتهای عضو جنبش عدم تعهد بصورت قطعنامه‌هایی صادر میشوند، لکن این اعلامیه‌ها از لحاظ حقوقی فاقد ضمانت اجراء است.
۵. اعمال نفوذ قدرتهای بزرگ از عواملی است که باعث بروز ناکامیهای در رسیدن دولتهای غیر متعهد به هدفهایشان شده است تا آنجا که حتی در بسیاری از موارد علیرغم میل کشورهای جهان سوم، سرزمینهای آنها بصورت عرصه رقابت قدرتهای بزرگ درآمده است.

راه‌حل

برای آنکه غیر متعهدها بتوانند در چهارچوب نظام دو قطبی استراتژیها

و سیاست‌هایی را برگزینند که درجه وابستگی آنها را به ابرقدرتها به حداقل ممکن رساند و این دولتها را از بحرانها و تشنجات بین المللی ببری سازد، ضروریست: اولاً یک تصفیه کامل در میان اعضای جنبش بعمل آمده و ولت‌هایی که سعی دارند بنحوی از انحاء وابستگی خود را یکی از دو بلوک حفظ نمایند کنار گذاشته شوند. برای نیل به این هدف میبایستی هر چندسال یکبار ارزیابی دقیقی از عملکردهای سیاست خارجی اعضاء بعمل آید تا بدین طریق دولتهائی که سعی لازم برای کشاندن نهضت به چپ و با راست بعمل میآورند مورد تصفیه قرار گیرند.

ثانیاً شرائط و معیارهای قابل سنجشی برای پیوستن دولتها به جنبش غیر متعهدها معین گردد.

ثالثاً بجای توجه به کمیت و تعداد کشورهای عضو جنبش، به رویه‌ها و رفتارهای سیاسی آنان در عرصه روابط بین المللی تأکید شود.

والسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

